

عمومی یا اختصاصی بودن فهم قرآن

از دیدگاه امام خمینی (ره)

محمد جواد حیدری

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

چکیده

حضرت امام خمینی (ره) فهم قرآن را امر تشکیکی و دارای مراتب شمرده‌اند. ایشان بر این نظر است که مقاصد ظاهری قرآن برای عموم انسانها قابل فهم است. وی علاوه بر تصریح بر این معنا با برخی از مطالبی که درباره قرآن یاد کرده‌اند، مثل حجیت ظواهر قرآن، تحدی قرآن، کتاب هدایت بودن قرآن و دعوت به تدبیر در قرآن به نوعی بر همگانی بودن فهم قرآن استدلال کرده‌اند. در برخی از موارد که فهم قرآن را اختصاصی دانسته‌اند، ناظر به بطون قرآن است. حضرت امام شرط فهم بطون قرآن را تهذیب نفس و رهایی از هواهای نفسانی دانسته‌اند و سرّ عدم فهم بطون قرآن را مربوط به عظمت مراتب قرآن خوانده‌اند.

کلید واژه‌ها: فهم قرآن، عمومی بودن فهم قرآن، خصوصی بودن فهم

قرآن

۱. مقدمه

این مقاله در تحلیل این مسأله است که از منظر امام خمینی آیا زبان قرآن اختصاصی است و تنها مخصوص گروه خاصی است یا زبان همه مردم است و همان راهی

که مردم برای فهم معانی کلمات یکدیگر طی می‌کنند، در قرآن نیز همان راه طی می‌شود؟

۲. بیان مسأله

از برخی از عبارتهای امام چنین استفاده می‌شود که زبان قرآن، اختصاصی است و فهم قرآن برای همگان میسر نیست؛ مانند این سخن که: «قرآن در حد ما نیست. در حد بشر نیست. قرآن سَرّی است بین حق و ولیّ الله اعظم که رسول خداست. به تبع او نازل می‌شود تا می‌رسد به این جایی که به صورت حروف و کتاب در می‌آید» [۱] و نیز مانند این سخن که «قرآن سِرّ است سِرّ سرّ است، سرّ مستسرّ به سرّ است، سرّ مقنع به سرّ است» [۲].

اما از برخی از عبارات دیگر امام (ره) عمومی بودن فهم قرآن فهمیده می‌شود؛ نظیر اینکه فرموده‌اند: «این دستورات خدایی است. این پیامهای غیبی است که خدای جهان برای حفظ استقلال کشور و بنای عظمت و سرفرازی به شما ملت قرآن و پیروان خود فرستاده. آنها را بخوانید و تکرار کنید و در پیرامون آن دقت نمائید و آنها را بکار بندید تا استقلال و عظمت شما برگردد و پیروزی و سرفرازی را دوباره در آغوش بگیرید و گرنه راه نیستی و زندگانی سراسر ذلت و خواری را خواهید پیمود و طعمه همه جهانیان خواهید شد» [۳].

۳. بیان راه حل

نحوه جمع این بیانات و رفع تعارض ظاهری آنها به این شرح است که قرآن مراتبی دارد. عبارتهایی که بیانگر راز و رمز و سرّ قرآن است، ناظر به مراتب و درجات عالیّه قرآن است؛ لذا قاری و مفسر قرآن باید عظمت موقعیت و بلندای معارف این اقیانوس بزرگ را درک کند و برای فهم و درک حقایق آن، اهتمامی جدی نماید و ساده انگاری و قشری نگری و برخورد سرسری با قرآن را کنار گذارد و بداند که با کلام حکیم و عظیم و عزیز مواجه است و باید با حکمت و عظمت و عزت معنوی به

محضر قرآن نائل گردد؛ بنابراین امام با آن جملات در صدد بیان اختصاصی بودن فهم قرآن نیست؛ زیرا از نظر ایشان، خداوند قرآن را از مقام قرب خود به این عالم ظلمانی و سجن طبیعت تنزل داده تا همگان از آن در جهت هدایت و سعادت خویش، بهره‌مند گردد. حضرت امام در این زمینه می‌گوید:

«بدان که این کتاب شریف چنانکه خود بدان تصریح فرموده کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نور بخش سیر الی الله است. بالجمله، خدای تبارک و تعالی به واسطه سعه رحمت بر بندگان این کتاب شریف را از مقام قرب و قوس خود نازل فرموده و به حسب تناسب عوالم تنزل داده تا به این عالم ظلمانی و سجن طبیعت رسیده و به کسوت الفاظ و صورت حروف درآمده برای استخلاص مسجونین در این زندان دنیا و رهایی مغلولین در زنجیرهای آمال و امانی و رساندن آن را از حسیض نقص و ضعف و حیوانیت به اوج کمال و قوت انسانیت و از مجاورت شیطان به مرافقت ملکوتیین، بلکه به وصول به مقام قرب و حصول مرتبه لقاء الله که اعظم مقاصد و مطالب اهل الله است» [۴].

بنابراین اگر در روایات به عظمت قرآن و فضیلت آن بر سایر کلمات تاکید می‌گردد و فاصله‌ای میان سخن حق با خلق معین می‌گردد و از ظهور و بطون قرآن سخن میان می‌آید [۵] و اگر در کلمات امام «از راز و سرّ و اسرار و رموز قرآن» و «اختصاص فهم حقیقت آن برای ذات بنی و ولی» سخن می‌رود [۶]، نه بدان جهت است که معانی ظاهری قرآن قابل دسترسی برای همگان نیست و عموم مردم نمی‌توانند به مقاصد و پیامهای آشکار قرآن نائل گردند؛ بلکه بدان جهت است که قرآن دارای مراتب و مراحل بلند و بالایی است که فهم هر مرحله نیازمند به دقت و عمق ویژه‌ای است که هر کس به حسب سعه وجودی و صلاحیت و طهارت قلبی خویش می‌تواند از آن استفاده کند.

بنابراین از منظر امام خمینی فهم قرآن عمومی است؛ چون سخن خدای تعالی بر اساس نظام عمومی سخن گفتن عقلا مبتنی است؛ چنانکه گوید: «قرآن کریم اشارات بسیار لطیفی دارد؛ لکن چون برای عموم مردم وار شده است، به یک صورتی گفته شده

است که هم خواص از آن ادراک کنند هم عموم از آن ادراک کنند. قرآن کریم مرکز همه عرفانهاست مبدأ همه معرفتهاست، لکن فهمش مشکل است» [۷].

از منظر امام قرآن مانند سفره‌ای است که خداوند برای همه بشر پهن کرده است. اگر کسی لیاقت و صلاحیت خویش را در بهره‌برداری از قرآن از دست نداده باشد و خود را به موانع فهم آلوده نکرده باشد، می‌تواند از این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند.

قرآن یک سفره‌ای است که خدا پهن کرده برای همه بشر، یک سفره پهنی است، هر که به اندازه اشتهايش از آن می‌تواند استفاده کند. اگر مریض نباشد که بی اشتها باشد... از قرآن استفاده می‌کند» [۸].

امام خمینی بر این باور است که حتی تمام مردم شرق و غرب می‌توانند از قرآن استفاده کنند، استفاده از قرآن از منظر امام ویژه حکیم و عارف و فقیه و عالم نیست؛ بلکه عوام نیز می‌توانند از این سفره گسترده الهی استفاده کنند؛ چنانکه می‌فرماید:

«این کتاب و این سفره گسترده در شرق و غرب و از زمان وحی تا قیامت کتابی است که تمامی بشر عامی، عالم، فیلسوف، عارف، فقیه، همه از او استفاده می‌کنند» [۹].

۴. ادله همگانی بودن فهم ظاهر قرآن

از مطاوی سخنان امام خمینی دلایلی چند دربارهٔ عمومی بودن فهم ظاهر قرآن به دست می‌آید که اینک بیان می‌شود.

۴.۱. حجیت ظواهر قرآن

یکی از مباحث مهم علم اصول این است که آیا ظواهر قرآن حجت است یا نه. اخباری‌ها و برخی از محدثان ظواهر قرآن را برای همگان حجت نمی‌دانند و می‌گویند: ظواهر قرآن تنها برای کسانی که مخاطب قرآن هستند و افهام آنان قصد شده، حجت است و برای دیگران قابل فهم و تمسک و استدلال نیست. امام خمینی ظواهر قرآن را برای همگان حجت می‌داند و به بنای عقلا بر عمل به ظواهر کلام تمسک می‌نماید و در این زمینه می‌نویسد:

«بنای عقلا بر عمل بر ظواهر کلام است، مگر اینکه بنای گوینده بر رمز و حذف قرائن باشد و نخواهد آن را به دیگران بفهماند و گرنه کلام برای همه قابل تمسک است و نمی‌توان روشی را که تمام عقلا در استفاده از کلام دارند، محدود به گروهی خاص کرد» [۱۰].

از منظر امام اختصاصی بودن کلام به جهت رعایت مصلحتی از مصالح است؛ مانند کسی که نامه‌ای را به دوست خود می‌نویسد و در آن مطالبی می‌آورد که افشای آنها زیان نویسنده یا دوستش را به همراه خواهد داشت. او چون احتمال می‌دهد که نامه به دست دشمن بیفتد؛ از این رو مطالب را به صورت رمز و راز بیان می‌کند؛ در این صورت ظاهر کلام وی برای دیگران قابل تمسک و استناد نیست؛ اما در مورد قرآن چنین احتمالی وجود ندارد؛ لذا دلیلی برای اختصاصی بودن پیام قرآن وجود ندارد؛ بنابراین قرآن خطاب به گروهی خاص نازل نشده است.

۴.۲. تحدی قرآن

یکی از دلایل دیگر اختصاصی نبودن فهم قرآن، اعجاز قرآن است؛ زیرا قرآن با تحدی و مبارز طلبی همگان را به آوردن مثل قرآن یا سوره‌ای از آن فرا خوانده است و به تمام عائله بشری از روی اطمینان اعلام می‌کنند که نمی‌توانند مانند قرآن را بیاورند. اگر فهم قرآن اختصاصی بود، دیگر این دعوت به تحدی بی معنا بود. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«قرآن کریم خود در چند جا معجزه بودن خود را به تمام بشر در تمام دوره‌ها اعلان کرده است و عجز جمیع بشر را بلکه تمام جن و انس را از آوردن به مثل خود ابلاغ کرده. امروزه ملت اسلام همین نشانه خدا را در دست دارند و به تمام عائله بشر از روی کمال اطمینان اعلان می‌کنند که این نشانه پیغمبری نور پاک محمدی است، هر کس از دنیای پر آشوب علم و دانش مثل او را آورد، ما تسلیم او می‌شویم» [۱۲].

تلازمی که میان تحدی قرآن و قابل فهم بودن آن برای مردم برقرار است، به این شرح است که شخص حکیم بر انجام کاری به تحدی و مبارزه‌جویی می‌پردازد که

اشخاص طرف تحدّی به نوع آن کار و چگونگی انجامش آگاهی داشته باشند و گرنه انجام تحدّی قبیح خواهد بود؛ بسان کشتی گیری که افراد بی اطلاع از فنون کشتی رابه تحدّی فرا بخواند و بگوید: من می توانم پشت همه شما را به خاک بمالم.

بنابراین نظر به اینکه خدای تعالی حکیم است و تنها کارهای حکیمانه از او سر می زند، مقتضی است در خصوص قرآن که تحدّی نموده است، خود قرآن برای مخاطبات قابل فهم باشد و گرنه این تحدّی قبیح بود.

۴.۳. قرآن، کتاب هدایت

از منظر امام قرآن، کتاب معرفت و اخلاق و دعوت به سعادت و کمال است. این دلیلی دیگر بر اختصاصی نبودن فهم قرآن است. امام خمینی در زمینه کتاب هدایت بودن قرآن می نویسد:

«این کتاب شریف که به شهادت خدای تعالی کتاب هدایت و تعلیم است و نور طریق سلوک انسانیت است. باید مفسر در هر قصه از قصص آن بلکه هر آیه از آیات آن، جهت اهتدای به عالم غیب و حیث راهنمایی به طرق سعادت و سلوک طریق معرفت و انسانیت را به متعلم بفهماند.

در همین قصه آدم و حوا و قضایای آنها با ابلیس از اول خلقت آنها تا ورود آنها در ارض که حق تعالی مکرر در کتاب خود ذکر فرموده، چقدر معارف و مواظب مذکور و مرموز است و ما را به چقدر از معایب نفس و اخلاق ابلیسی و کمالات آن و معارف آدمی آشنا می کند و ما از آن غافل هستیم.

بالجمله، کتاب خدا، کتاب معرفت و اخلاق و دعوت به سعادت و کمال است. کتاب تفسیر نیز باید کتاب عرفانی، اخلاقی و مبین جهات عرفانی و اخلاقی و دیگر جهات دعوت به سعادت آن باشد. مفسری که از این جهت غفلت کرده یا صرف نظر نموده یا اهمیت به آن نداده از مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل غفلت ورزیده است» [۱۳].

چنانکه از اظهارات حضرت امام استفاده می شود. قرآن کریم کتاب هدایت عموم

مردم است و روشن است که لازمهٔ هدایتگری قرآن برای عموم مردم آن است که برای آنان قابل فهم باشد.

۴.۴. دعوت به تدبیر در قرآن

امام خمینی همگان را به فراگیری آداب مهم قرائت قرآن و تفکر و تدبیر در این کتاب عظیم الهی فرامی خواند و این مطلب خود یکی از دلایلی است که بر عمومی بودن فهم قرآن و اختصاصی نبودن آن به گروهی خاص دلالت دارد؛ زیرا اگر فهم قرآن اختصاصی بود، دیگر معنا ندارد که حضرت امام به پیروی از آیات قرآن کریم همگان را به تدبیر در قرآن فرا خواند و تشویق نماید.

امام در این باره می فرماید:

«و دیگر از آداب مهمه قرائت قرآن تفکر است و مقصود از تفکر آن است که از آیات شریفه جستجوی مقصد و مقصود کند و چون مقصد قرآن چنانکه خود آن صحیفه نورانیه فرماید، هدایت به سبب سلامت است و اخراج از مراتب ظلمات است به عالم نور و هدایت به طریق مستقیم است. باید انسان به تفکر در آیات شریفه مراتب سلامت را... بدست آورد» [۱۴].

۵. اختصاصی بودن فهم بطون قرآن

فهم قرآن مقول به تشکیک است و مراتبی شدید و ضعیف، و کامل و ناقص دارد. فهم مراتب عالی و باطن و ارتباط با اسرار قرآن بهرهٔ اولیاء الله و بندگان مخلص الهی است. از نظر امام خمینی معانی حقیقی قرآن قابل دسترس ما انسان‌های محجوب در طبیعت نیست. قرآن سرّ و سرّ سرّ است؛ اما این مطلب به معنای اختصاصی بودن فهم قرآن نیست؛ زیرا قرآن، ظاهر و باطنی و باطن آن باطن‌هایی دارد و هر کس به اندازهٔ علم و معرفت و استعدادهای خود می‌تواند از این اقیانوس موج معرفت و منبع جوشان کشف محمدی، بهره‌مند گردد.

انان که با حکایتها و ظرافتها و اشارتهای عرفانی سرو کار دارند، از نکات و

تنبیهات عرفانی قرآن بهره می‌برند و آنان که با برهان و استدلال و منطق ارتباط دارند، از این بُعد قرآن استفاده می‌کنند. فقیهان از آیات الاحکام قرآن استفاده فقهی می‌کنند و دانشمندان علم اصول و ادبیات و تاریخ و جامعه‌شناسی و روانشناسی نیز هر گروه می‌توانند بهره‌هایی در حوزه تخصص خود از این منبع فیاض الهی ببرند.

وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشح و جرعه‌ای از آنچه قلب عوام دریافت نموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه می‌آورند [۱۵].

اما مراتب قرآن آنقدر لایه‌های تو در تو دارد که در برخی از مراحل آن دیگر علوم رسمیه و معارف قلبیه و مکاشفه غیبیه هم کار ساز نیست و ذات نبی ختمی مرتبت را لازم دارد تا در محفل انس قاب قوسین به آن حقایق دسترسی پیدا کند [۱۶].

و این مراتب و بواطن منافاتی با حجیت ظواهر قرآن برای همگان و «بیان للناس» و «رحمة للعالمین» و قابل فهم بودن قرآن و بهره مندی همگان از این دریای موج معارف ندارد؛ زیرا هر کس به اندازه سعه و جودی خود و لیاقت و صلاحیت خویش از قرآن بهره‌مند می‌گردد.

امام در این باره می‌فرماید: «واقع قرآن نصیب همگان نمی‌گردد؛ بلکه مخصوص انبیاء و اولیاء است. دیگران به اندازه سعه و جودی خویش و لیاقت و معرفت خود از این نعمت بیکران استفاده می‌کنند: «قرآن یک نعمتی است که همه از آن استفاده می‌کنند، اما استفاده‌ای که پیغمبر اکرم از قرآن می‌کرده است غیر استفاده‌ای است که دیگران از آن می‌کرده‌اند: «انما يعرف القرآن من خوطب به». آن که قرآن بر او نازل شده است می‌داند که آن چیست، چه جور نازل شده، کیفیت نزولش چیست؟ چه مقصدی در این نزول هست و محتوای آن چیست و غایت این کار چیست؟ او می‌داند، آنهایی هم که به تعلیم او تربیت شده‌اند، آن هم برای خاطر تربیت او می‌دانند [۱۷].

۶. شرط فهم بطون قرآن

قرآن پژوهی و وارد شدن به علم تفسیر و درک صحیح و کامل قرآن نیازمند آشنایی با قواعد و مقدمات تفسیر و ضوابط فهم قرآن است. بسیاری از قرآن پژوهان رعایت

قواعد و آگاهی به مقدمات تفسیر را از شروط تفسیر می‌دانند.

حضرت امام علاوه بر فراگیری مقدمات و قواعد فهم قرآن به زدودن موانع و آراستگی به فضایل و تخلیهٔ رذایل و تخلق به اخلاق الهی به منظور کسب صلاحیت برای دریافت حقایق و حیاتی و دست یابی به معارف ربّانی تأکید دارد.

از این امر مهم یعنی دور کردن موانع و آراستگی به فضایل در علوم قرآن به ادب نفسی و علم موهبت تعبیر شده و بسیاری از دانشمندان علوم قرآن بر ضرورت برخورداری از آن در تفسیر قرآن تأکید کرده‌اند.

امام خمینی نیز ضمن اشاره به حجابهای ظلمانی و موانع فهم قرآن و دریافت نور به راهکارهای عملی آن حجابها پرداخته و فرموده‌اند: «امادامی که انسان در حجاب خود هست نمی‌تواند این قرآن را که نور است ادراک کند. تا انسان از حجاب بسیار ظلمانی خود خارج نشود، تا گرفتار هواهای نفسانی است تا گرفتار خود بینی‌هاست تا گرفتار چیزهایی است که در باطن نفس خود ایجاد کرده است... لیاقت پیدا نمی‌کند که این نور الهی در قلب او منعکس شود. کسانی که بخواهند محتوای قرآن را بفهمند و طوری باشند که هر چه قرائت کنند بالا بروند و به مبدأ نور و مبدأ اعلیٰ نزدیک شوند، این ممکن نمی‌شود الا اینکه این حجابها برداشته شود» [۱۸].

۷. سِرِّ عدم دستیابی به باطن قرآن

از منظر امام خمینی عدم دستیابی به حقیقت قرآن مربوط به پیش از نزول قرآن و تنزّل یافتن معانی و در مقام واحدیت است؛ ولی پس از نزول قرآن مسأله فهم به دلیل استفاده از الفاظ بشری، بسیار آسان شده است و به همین جهت قرآن، قابل فهم همگان شده است و فهم آن اختصاصی نیست؛ بنابراین برخی از مراتب قرآن به دلیل عظمت جایگاه و بلندای موقعیت برای گروه‌هایی از مردم حتی عارفان و مکاشفان و حکیمان الهی قابل دسترسی نیست؛ لکن این نرسیدن و نفهمیدن مربوط به الفاظ و ارتباط سمعی و بصری کلام نیست؛ بلکه به دلیل علو مراتب و لایه‌های تو در توی

قرآن است که تنها شامل غواصانی چون نبی اکرم و راسخان در علم می‌گردد:

«فهم عظمت هر چیز به فهم حقیقت آن است و حقیقت قرآن شریف الهی قبل از تنزل به منازل خلقیه و تطور به اطوار فعلیه از شئون ذاتیه و حقایق علیّه در حضرت واحدیت است و آن حقیقت کلام نفسی است که مقارعه ذاتیه در حضرات اسمائیه است و این حقیقت برای احدی حاصل نشود به علوم رسمیه و نه به معارف قلبیه و نه به مکاشفه غیبیه، مگر به مکاشفه تامه الهیه برای ذات مبارک نبی ختمی - صلی الله علیه و آله - در محفل انس «قاب قوسین» بلکه در خلوتگاه سرّ مقام «اوادنی» و دست آمال عانله بشریه از آن کوتاه است، مگر خُلص از اولیاء الله که به حسب انوار معنویه و حقایق الهیه با روحانیت آن ذات مقدس مشترک و به واسطه تبعیت تامه، فانی در آن حضرت شدند، آن علوم کاشفه را بالوراثه از آن حضرت تلقی کنند و حقیقت قرآن به همان نورانیت و کمال که در قلب مبارک آن حضرت تجلی کند به قلوب آنها منعکس شود؛ بدون تنزل به منازل و تطور به اطوار» [۱۹].

حضرت امام در این عبارتها به این نکته توجه می‌دهند که دریافت حقایق باطنی قرآن قبل از تنزل به منازل خلقیه برای مردم متعارف امکان ندارد. فهم قرآن دارای درجات گوناگون است که برخی از آنها ویژه عارفان و واصلان و برخی میسور افرادی است که با مبدأ نور اتصال پیدا کرده‌اند و در مقام غیب گام نهاده‌اند و برخی از مراتب فهم قرآن ویژه انبیاء و اولیاء است و برخی از مراتب آن شامل همگان می‌گردد. هر کس به هر میزانی که موانع و حجابها را از خود دور ساخته و به طهارت معنوی نائل گشته باشد، می‌تواند از قرآن بهره‌مند گردد و قرائت قرآن او تبدیل به نوری گردد که او را بالا ببرد و حجابهای نفسانی را در نوردد^(۱).

نظر به اینکه قرآن به زبان مردم نازل شده است «وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» [ابراهیم، ۴] همه مردم باید قواعد و شرائط فهم و سخن رارعايت کنند و از اصول تفسیر در فراگیری قرآن پیروی نمایند.

۱. در روایات فراوانی چنین آمده است که به قاری قرآن گفته می‌شود: قرآن بخوان و بالا برو؛ پس هر آیه‌ای که می‌خواند، پله‌ای بالا می‌رود [۲۰].

سخن گفتن خداوند به صورت سزای با بندگان خاص افزون بر پیام‌های عمومی و به کارگیری رمز و راز در حروف مقطعه یا بطن که فقط در دسترس محرمان اسرار و راسخون در علم قرار دارد، منافاتی با همگان بودن فهم قرآن و اختصاصی نبودن فهم قرآن ندارد.

درک بطن و اسرار قرآن علاوه بر آشنایی با قواعد و مقدمات تفسیر نیازمند اطلاعات بیرونی یا مرتبه خاصی از طهارت نفس و زدودن موانع می‌باشد. بین ظاهر و باطن نوعی ارتباط برقرار است که کشف آن در دسترس محرمان اسرار قرآن می‌باشد [۲۱].

زبان قرآن، زبانی آشکار و همگانی و فهم آن عمومی است و بر اساس زبان عرف و محاوره مردم تنظیم شده است [۲۲]؛ لکن بدون تسلط بر قواعد زبان عربی و اطلاع از مفردات و معانی الفاظ قرآن و نیز تحجّر در کشف شیوه عمومی فهم عقلا و در نهایت بدون آگاهی از مشخصات و مقیدات و مانند آنها در آیات و روایات نمی‌توان به استنباط و برداشت از قرآن پرداخت و پرداختن به فهم دقیق و استنباط از قرآن نیازمند اجتهاد و جهاد علمی و عملی است [۲۳].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. خمینی (امام)؛ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۷۱-۱۷۲.
۲. همو؛ تفسیر سوره حمد، ج ۱، قسم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۶۵.
۳. همو؛ کشف الاسرار، ص ۲۳۴.
۴. همو؛ آداب الصلوة، ص ۱۸۴.
۵. مجلس؛ محمد باقر؛ بحار الانوار، ط ۲، بیروت، مؤسسه الوفا، ج ۸۹، ص ۱۹ و ۱۰۷.
۶. خمینی (امام)؛ تفسیر سوره حمد، ص ۱۶۵ و صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

۷. همو؛ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۵۱.
۸. همو؛ تفسیر سورة حمد، ص ۱۷۳.
۹. همو؛ صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۵۱.
۱۰. همو؛ تهذیب الاصول، به قلم جعفر سبحانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ص ۹۵.
۱۱. همان.
۱۲. همو؛ کشف الاسرار، ص ۴۷.
۱۳. همو؛ آداب الصلوة، ص ۱۹۴.
۱۴. همان ۲۰۸.
۱۵. همو؛ صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰.
۱۶. همو؛ آداب الصلوة، ص ۳۱.
۱۷. همو؛ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۱۱ با حذف و تصرف اندک.
۱۸. همان، ج ۱۴، ص ۲۵۳ با حذف و تصرف اندک.
۱۹. همو؛ آداب الصلوة، ص ۳۱.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۳.
۲۱. خمینی (امام)؛ تفسیر سورة حمد، ص ۱۶۷ و همو؛ آداب الصلوة، ص ۱۸۱.
۲۲. همو؛ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۵۱ و ج ۱۴، ص ۲۵۱ و همو؛ آداب الصلوة، ص ۲۰۸.
۲۳. رک؛ هادوی، مهدی؛ مبانی کلامی اجتهاد، ص ۳۰۷-۲۹۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی